

بر خور د قديم مآبانه

درباره مواجهه اسرائیل با جوامع یهودی دنیا



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

یهودیان که قربانی عملیات تروریستی در مراسم حنوکا در ساحل بوندای سیدنی استرالیا شدند، چه نسبت حقوقی با اسرائیل دارند؟ به عبارت روشن‌تر، رابطه حقوقی جوامع یهودی دنیا با اسرائیل چیست و بر چه اساسی اسرائیل خود را قِیم همه یهودیان عالم می‌پندارد؟ بر اساس اصول حاکم بر پدیده ملت-دولت، اتباع هر کشور، صرفاً تبعه همان کشور محسوب می‌شوند و فارغ از قومیت و مذهب و جنسیت و علایق و باورهای سیاسی‌شان از حقوق برابر شهروندی بر خوردارند و دولت‌ها موظف به تأمین امنیت آنان در برابر هر نوع تهدید و خطری هستند. از این رو، اتباع یهودی هر کشور نیز مثل هر دیگر اتباع شهروندان همان کشورند و باید بدون کوچکترین تبعیضی مورد حفاظت قرار گیرند و حقوق و امنیت‌شان به طور کامل تأمین و تضمین شود. با وجود این اصل، دولت اسرائیل به چه حقی در مقام قِیم جوامع یهودی عالم ظاهر می‌شود و چنان رفتار می‌کند که گویی هر یهودی در هر گوشه‌ای از دنیا تبعه یا شهروند اسرائیل است؟ برای فهم دقیق ماجرا، نیاز به بازشکافی «مسئله یهود» است؛ موضوعی که از قرن ۱۹ میلادی در اروپا بر سر زبان‌ها افتاد و در قرن ۲۰ به فاجعه هولوکاست رسید. برای قرن‌ها، بسیاری از یهودیان بنابه برخی متون مذهبی، خود را «ملتی جدای از ملت‌های سرزمین محل اقامت خود» به حساب می‌آوردند و از ادغام در جوامع دیگر به شدت پرهیز می‌کردند. این مسئله سبب می‌شد که برخی یهودیان اصل وفاداری ملی به سرزمین محل سکونت خود را به رسمیت نشناسند و در مقابل، دولت‌ها نیز به آنان حق شهروندی ندهند و حقوق آنان را به راحتی زیر پا بگذارند. برای حل این معضل دواره حل در بین یهودیان مطرح شد. جمعی از یهودیان، از ادغام در جوامع محل سکونت خود همچون پیروان ادیان، به حمایت بر خاستند تا بدین وسیله از حقوق شهروندی بهره‌مند شوند. عده‌ای دیگر اما بر تشکیل «کشور خاص یهود» اصرار ورزیدند و از طریق جنبش صهیونیسم در جهت تحقق آن کوشیدند.

با تشکیل «دولت یهود» در فلسطین اما همچنان رابطه یهودیان آلیا با یهودیان دیاسپورا سرشار از ابهام و تناقض است. اسرائیل عملاً

خود را موطن تمام یهودیان عالم تعریف می‌کند و طبق «قانون بازگشت» هر یهودی به رسمیت شناخته‌شده، به محض ورود به اسرائیل، از حق تابعیت و شهروندی بر خوردار می‌شود. با این حال، جوامع یهودی بسیاری در سرتاسر جهان وجود دارد که علاقه‌ای به مهاجرت به اسرائیل ندارند و با ادغام در جوامع محل زیست خود، از حقوق شهروندی بر خوردار شده‌اند. اسرائیل اما خود را نماینده این جوامع هم معرفی می‌کند و رفتاری قِیم‌مآبانه در برابر آنان دارد. آیا این قِیم‌مآبی نسبت به جوامع یهودی دنیا بنابه اصول حاکم بر پدیده ملت-دولت، قابل توجیه است؟ بدون تردید قابل توجیه نیست و در تعارض کامل با آن قرار دارد. چندی پیش مطبوعات لبنان سخنان جوزف عون رئیس‌جمهور آن کشور در دیدارش با علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران بازتاب دادند. گویا آقای عون در دیدار با آقای لاریجانی گفته‌بود که شیعیان لبنان اتباع دولت آن کشور هستند و ربطی به هیچ دولت خارجی ندارند. آنچه آقای عون گفته است درباره همه اقلیت‌های قومی و مذهبی در هر کشوری صادق دارد و بنابراین، مناسبات حقوقی جوامع یهودی دنیا با اسرائیل هم نمی‌تواند خارج از این چارچوب باشد. اگر قرار بر این باشد که هر دولتی در این دنیا نسبت به جوامع مذهبی یا قومی شبیه خود در آن سوی مرزها، احساس قِیمومت داشته باشد و خارج از قواعد پذیرفته‌شده انسان دوستانه در حقوق بین‌الملل، خود را مسئول آنان تعریف کند و آنها را به‌نحوی اتباع غیر مستقیم خود به‌شمار آورد، نظام ملت-دولت بلافاصله از هم می‌پاشد. با این همه، اسرائیل به این اصول پایبند نیست و با نوع ورود و خالت خود در امور جوامع یهودی دنیا، بیهای نظام مبتنی بر ملت-دولت را سست و تضعیف می‌کند. بدون تردید این رفتار از جهت قلدرمآبانه است و آن را می‌توان از برخورد بنیامین نتانیاھو نخست‌وزیر اسرائیل با آنتونی آلبانیزی نخست‌وزیر استرالیا به وضوح دریافت. نتانیاھو، همتای استرالیایی خود را متهم کرده است که با به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطینی به «یهودستیزی» در استرالیا دامن زده است! آلبانیزی باید پاسخی مشابه جوزف عون به نتانیاھو می‌داد و در عین حال اضافه می‌کرد که ادعای اسرائیل به عنوان نماینده تمام یهودیان عالم و نوع رفتارش با فلسطینی‌هاست که به «یهودستیزی» و عملیات تروریستی علیه جوامع بیگانه یهودی دامن می‌زند نه به رسمیت شناختن حق حاکمیت مردمی تحت‌اشغال بر بخش کوچکی از سرزمینی که در آن ریشه‌هزاران‌ساله دارند.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲



تکس: GPO

بررسی ملاقات نماینده ویژه ترامپ در امور سوریه با نتانیاھو

تلاش برای ترسیم خطوط قرمز

روایتی از ناراضی‌ت ترامپ و کاخ سفید

سایت آکسیوس روز دوشنبه در گزارشی مدعی شد که کاخ سفید از اقدامات نتانیاھو ناراضی است. آکسیوس به نقل از دو مقام آگاه نوشت: «کاخ سفید پیام خصوصی تندی به بنیامین نتانیاھو ارسال و تأکید کرده است که کشته‌شدن یک فرمانده ارشد نظامی حماس در آخر هفته، نقض توافق آتش‌بس است. این پیام خشمگینانه از سوی کاخ سفید در بجه‌وحه تنش‌های فراینده بین دولت ترامپ و دولت نتانیاھو پیرامون مرحله بعدی توافق برای پایان دادن به جنگ در غزه و بر سر سیاست منطقه‌ای گسترده‌تر اسرائیل ارسال شده است. به گفته این دو مقام آمریکایی، مارکورو بیویوزیر امور خارجه آمریکا، استیو وینکوف فرستاده کاخ سفید و جرد کوشرنر مشاور و داماد ترامپ، از نتانیاھو بسیار ناامید شده‌اند.»

یکی از این مقامات به آکسیوس گفت که پیام کاخ سفید به نتانیاھو این بود: «اگر می‌خواهید اعتبار خود را خراب کنید و نشان دهید که به توافقات پایبند نیستید، مهمان ما باشید، اما ما به شما اجازه نمی‌دهیم اعتبار رئیس‌جمهور ترامپ را پس از میانجیگری او در توافق غزه خراب کنید.» به گفته مقامات آمریکایی، کاخ سفید بدون هیچ تردیدی اعلام کرد که اسرائیل آتش‌بس را نقض کرده است. شبیه این هفته اسرائیل در یک حمله هوایی، راند سعد، معاون فرمانده شاخه نظامی حماس و یکی از طراحان عملیات ۷ اکتبر را ترور کرد؛ عملیات تروری که گفته می‌شود اسرائیل انجام آن را به واشنگتن اطلاع نداده بود. گزارش آکسیوس به اظهارات یک مقام اسرائیلی هم اشاره می‌کند. بر اساس ادعای این رسانه آمریکایی، یک مقام اسرائیلی تأیید کرد که کاخ سفید

گروه خبر: سفیر آمریکا در ترکیه و نماینده ویژه ترامپ در امور سوریه، روز دوشنبه در بیت المقدس با نخست‌وزیر اسرائیل دیدار کرد. بر اساس اعلام رسمی دفتر نخست‌وزیر اسرائیل، در جلسه تام باراک با بنیامین نتانیاھو، گیدون سعار، وزیر خارجه اسرائیل، همراه گیل رایش، مدیر موقت شورای امنیت ملی، سرلشکر رومن گافمن، دبیر نظامی نتانیاھو، مایک هاکی، سفیر ایالات متحده در اسرائیل و جیحیل لیتر، سفیر اسرائیل در واشنگتن هم حضور داشتند. اطلاعات رسمی زیادی درباره محتوای ملاقات منتشر نشده است. اما رسانه‌های اسرائیلی می‌گویند باراک برای ترسیم خطوط قرمز امنیتی در سوریه و غزه به اسرائیل سفر کرد. این دیدار در حالی انجام شد که اخبار غیررسمی حاکی از ناراضی‌ت ترامپ از اقدامات اسرائیل در غزه و ترور راند سعد، معاون فرمانده شاخه نظامی حماس، در آستانه آغاز مرحله دوم آتش‌بس شکننده حاکم میان اسرائیل و حماس است. نتانیاھو روز ۸ دی به واشنگتن می‌رود و در اقامتگاه ترامپ در فلوریدا با او دیدار خواهد کرد. بر اساس بیانیه رسمی منتشرشده، طرفین در این دیدار درباره تحولات مرتبط با پرونده سوریه و مسائل منطقه‌ای تبادل نظر کردند. باراک هم در فیس‌بوک خود نوشت: «با هدف دستیابی به صلح و ثبات منطقه‌ای گفت‌وگوی سازنده‌ای داشته است.» هفته گذشته، وب‌سایت اسرائیلی والا به نقل از یک مقام ارشد این رژیم گزارش داد که نتانیاھو، تام باراک را فردی ضداسرائیلی می‌داند و بر این باور است که «او بیش از حد تحت تأثیر منافع ترکیه در سوریه است و مطابق منافع سوریه عمل می‌کند.»

بندر زیر آب

سیل گسترده در استان‌های جنوبی ایران به ویژه هرمزگان

از سوی دیگر **یعقوب میرزایی قبری، فرماندار گراش** نیز با اشاره به سرریز شدن ۹۵ درصد سدها و پهندهای خاکی این شهرستان از آبگرفتگی برخی منازل و معابر شهری و روستایی خبر داده و گفت: «از مجموع ۹ سد و بند خاکی در روستاهای بخش مرکزی وارد شامل فداغ، آغشته، زینل‌آباد، خلیلی، تنگ آب، کنگ و ریشه، حدود سه میلیون و ۷۵۰ هزار متر مکعب آبگیری صورت گرفته و ۹۵ درصد این پهندها سرریز شده‌اند.» او افزود: «چند دستگاه خودرو دچار آب‌بردگی شده و بیش از ۲۰ منزل مسکونی که دچار آبگرفتگی شده بودند، با تلاش نیروهای جمعیت هلال احمر، آتش‌نشانی و گروه‌های جهادی مورد خدمات‌رسانی قرار گرفت و عملیات تخلیه آب و کمک به ساکنان همچنان ادامه دارد.»

علی علیزاده، فرماندار لامرد از تعطیلی برخی مدارس خبر داده و گفت: «تقریباً ۱۲۰ منزل قدیمی و کاه‌گلی آسیب دیده‌اند که هلال احمر به آنان خدمات رسانده است. دو محور این شهرستان به دلیل شدت بارش‌ها مسدود است؛ مسیر سواره فریاب شمال بخش چاهوز که به بیرم وصل می‌شود به دلیل آب‌گرفتگی مسدود شده و تنها ماشین‌های سنگین تردد دارند. همچنین مسیر لارستان-لامرد به دلیل آب‌بنمای بیرم مسدود شده و مسیر جایگزین از سمت خنج، محمله و علام‌رو دشت است. به دلیل حجم زیاد آب، تردد خودروهای سبک خطرناک است.»

نجات کارگران از سیلاب

آب در برخی محلات استان‌های جنوبی آنقدر بالا آمده بود که مردم در خودروهای خود زندانی شدند. پس از آب‌گرفتگی معابر در محدوده بندر شهید رجایی، یک دستگاه مینی‌بوس در مسیر زیرگذر دچار حادثه شد و سرنشینان آن گرفتار آب شدند؛ کارگران بندر شهید رجایی در این مینی‌بوس بودند. زمانی که مینی‌بوس قادر به ادامه حرکت نبود و خطر غرق‌شدگی سرنشینان آن را تهدید می‌کرد، راننده چند خودروی عبوری و چند تن از کارگران بندر شهید رجایی با سرعت توانستند همکاران خود را از شرایط بحرانی نجات دهند.

نخستین هشدار قرمز پس از ۸ ماه

روز دوشنبه ۲۴ آذر، سیف‌الله آقاییگی، مدیرکل دفتر مدیریت بحران و پدافند غیرعامل وزارت نیرو با اشاره به هشدار قرمز سازمان هواشناسی کشور مبنی بر وقوع سیلاب اعلام کرده بود که «پیش‌بینی می‌شود شرایط

گروه خبر: بالاخره دعای مردم ایران به عرش آسمان رسید و باران رحمت الهی نازل کرد. اما مسئولان باز هم نتوانستند آن را کنترل و مدیریت کنند و این رحمت الهی روز گذشته به سیل در برخی از استان‌ها تبدیل شد. با آنکه نیروهای امدادی و خدماتی آماده‌باش بودند و تمام مرخصی‌ها لغو شده بود، باز هم استان‌های جنوبی کشور سیلاب را تجربه کردند. در بندرعباس به دلیل اختلاف ارتفاعی که با زمین‌های بالادست خود دارد، حتی سیلاب‌ها روی تپه‌های شمالی بندرعباس به آبشار تبدیل شدند. مسئولان امر در این مورد اصلاً غافلگیر نشدند و هشدارها حاکی از آن است که دولت برای بارش‌ها برنامه‌ای نداشته و تنها مردم هستند که در این تروم و گرانی تاوان بی‌برنامگی مسئولان را با از بین رفتن زندگی‌شان می‌پردازند. روز گذشته بارندگی شدید در استان‌های جنوبی به‌ویژه هرمزگان و بوشهر و بیش از آن در شهر بندرعباس و بوشهر باعث شد که خیابان این شهرها زیر آب برود. بارش باران شدید در این دو استان به سیل تبدیل شد و مشکلاتی برای رفت و آمد مردم به وجود آورد. علاوه بر آن پروازهای فروگاه بندرعباس نیز مختل شد. براساس خبرها، راه‌های مواصلاتی هم‌رمزگان بر اثر آب‌گرفتگی و سیلاب دچار مشکل شد و مدیر بحران هرمزگان از بسته‌بودن مسیر بندرعباس به بندرلنگه و قطعی برق فشار متوسط در ۳۱۰ نقطه استان خبر می‌دهد. مسیر دسترسی به بندر شهید رجایی در غرب بندرعباس به‌دلیل آب‌گرفتگی شدید ناشی از بارش باران بسته‌شد. حدود ۶ کیلومتر از این محور از دوراهی نازیان تا تقاطع غیرممسطح شهید رجایی در محاصره آب قرار گرفت. نیروهای راهداری و امدادی در تلاش برای بازگشایی مسیر هستند، اما وضعیت تا شب گذشته این مسیرها برای تردد عادی مناسب نبودند. فیلم‌های منتشرشده از بارش روز گذشته حاکی از آن بود که گرفتگی خیابان‌ها در بندر خمیر، باعث جاری شدن رودخانه‌های فصلی شده و در جزیره هرمز، برخی از اهالی این جزیره با قایق در خیابان‌های این جزیره رفت و آمد کردند.

ارجمند، معاون فرماندار فسا نیز گفت: «باران راه ارتباطی ۱۱ روستا بیش از ۶۲۰ خانوار در فسا را مسدود کرد. این روستاها شامل روستاهای حسین‌آباد، ولی‌آباد، جلال‌آباد، فتح‌آباد، قلعه قرمز، حیدرآباد، له قربانی علیا و سفلی، علی‌آباد، خیرآباد و پنج منطقه عشایری است.»

غلامرضا غلامی، مدیرکل مدیریت بحران استانداری فارس نیز از مسدود شدن راه مواصلاتی لامرد به لارستان در نزدیکی چاهوز به‌دلیل عبور آب از آب‌نما و احتمال خطر برای خودروها خبر داد.

پیش‌اورا در مظان بی‌اعتمادی عمومی و فقدان خیرخواهی و خُسن‌نیت در بیان انتقادی نزد افکار عمومی قرار خواهد داد.

در اینجا به چند نکته کلیدی از سخنرانی تازه او که رسانه‌های نزدیک به این جریان سیاسی پاترنت انتقادات صریح و سنگین جلیلی از روحانی‌دولت پزشکیان به آن ضربه داده‌اند، خواهیم پرداخت. جلیلی یکبار دیگر مدعی شده که تحریم‌ها در دوران دولت روحانی و در ایام دو برابر شد؛ نکته‌ای که البته محمدجواد ظریف در ایام انتخابات و در جلسه‌ای که به همراه پزشکیان به صداسوسما آمده بود، بدان پاسخ گفت و تصریح کرد که اشاره به افزایش عدهی تحریم‌ها که شامل افراد و اشخاص و موارد خُرد می‌شود، نوعی مغالطه اساسی است و تحریم افراد از سوی آمریکا کجا و تحریم‌های بین‌المللی معطوف به قطعنامه‌های شورای امنیت کجا که به شکل بی‌سابقه‌ای همه شریان‌های اقتصادی و زیرساختی کشور را تحت‌الشعاع خود قرار داد و در دوران دولت احمدی‌نژاد و زعامت سعید جلیلی در مذاکرات هسته‌ای رقم خورد. در دیگر سو، سعید جلیلی مدعی ناکارآمدی دولت‌های روحانی و پزشکیان در حوزه اقتصاد با ثبت عدد صفر در نرخ رشد توسعه کشور و کارآمدی دولت مرحوم‌رئیسى در ثبت رشد ۵۰ درصدی شد. این روایت اما مغلوط و نادرست و یکطرفه و در راستای به انحراف بردن افکار عمومی است. آقای جلیلی چرا به رشد اقتصادی بی‌سابقه در دولت اول روحانی به مدد انعقاد برجام اشاره نمی‌کند و روی مقطعی انگشت می‌گذارد که با آمدن ترامپ و خروج یکطرفه وی از برجام و پیگیری سیاست فشار حداکثری و ایپدمی کرونا... کشور متحمل بی‌سابقه‌ترین فشارها شده و بارشد منفی در اقتصاد مواجه شد؟ اتفاق رشد مثبت ۵ درصد در دوران دولت شهید رئیسى هم به‌خروج ترامپ از کاخ سفید و شل کردن تحریم‌های نفتی در دولت‌بایدن بازمی‌گردد که آمار فروش نفت ایران رشد چشمگیر داشت و اتفاقاً از چندماه پایانی دولت روحانی روند آن آغاز شده بود. در دولت پزشکیان هم با توجه به بازگشت ترامپ و سیاست فشار حداکثری به انضمام جنگ مستقیم با اسرائیل و آمریکا، دوباره این وضعیت رقم خورد و رشد اقتصادی را لگام زد.

(باین حال، اخیراً وزیر اقتصاد اعلام کرد که رشد اقتصادی در ۳ ماهه اخیر دوباره مثبت شده است). آیا آقای جلیلی این حقایق بدیهی را نمی‌داند؟ آیا این گفتارها و نادیده‌بردی بدیهیات نشانه صداقت و خیرخواهی و خُسن‌نیت است؟ آیا پاک کردن صورت مسئله کمکی به حل موضوعات می‌کند؟ آیا اصرار و پافشاری بر روی شعارها و راهبردهایی که تجربه این سال‌ها نشان داده فاقد هرگونه درایت و کارآمدی است، درست و منطقی است؟ اینها سوالاتی است که خوب است آقای جلیلی و جریان فکری منتسب به ایشان بدان فکر کند و در بیان انتقادات خود لحاظ کند. مردم در جریان انتخابات نشان دادند که آگاه و مشرف به مسائل و مشکلات و چرایی رخداده‌ان هستند و طرح فله‌ای شعارهای عوام‌فریبانه و سطحی آنان را به بیراهه نخواهد برد و برای طرح کنگدگان نیز شُأن و اعتباری ایجاد نخواهد کرد.

نگاه تحلیلگر

جاده یک طرفه با دست فرمان قدیمی



رضا رئیسی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

پس از خدا حافظی از دبیری شورای عالی امنیت ملی و تور جهانگردی مذاکراتی که شش سال به درازا انجامید و مهمترین سمت سعید جلیلی در طول دوران زندگی را بدون دستاورد به پایان رهنمون کرد؛ دبیر سابق سایه‌نشین پی‌شبه کرد و در مقام یک منتقد تمام‌عیار هرگاه از خلوت به جلوت آمد، خود را نشان داد. حتی در دوران شهید رئیسی نیز او از حضور در دولت به دور بود و کارنامه‌اش از مدیریت در مناصب اجرایی تمیز و دست‌نخورده باقی ماند و ترجیح داد، کاراکتر یک منتقد بی‌پروا و سایه‌نشین را برای خود حفظ کند. موسم انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری که رسید، از سایه بیرون آمد و به عرصه عمومی وارد شد و دوباره به آزمون انتخابات پای گذاشت. جلیلی هر آنچه را در همه این سال‌ها گفته بود، فشرده و محکم و منسجم از بزرگترین تربیون ممکن طرح و ارائه کرد؛ اما نتیجه انتخابات باز هم باب میل او نشد و در واقع، شکست سختی را از مهمترین چهره کمپین انتخاباتی کاندیدای رقیب متحمل شد که از خُسن اتفاق در این ۱۱ سال سایه‌نشینى در سبیل حمالت و انتقادات مداوم او قرار داشت. این روزها و بعد از آن شکست سنگین و نمایان، سعید جلیلی دوباره به سیاق گذشته، سراغ همان حرف‌های قدیمی و ار جاعات همیشگی رفته و از تربیون‌هایی یکطرفه به تکرار انتقادات گذشته می‌پردازد؛ با این تفاوت که حداقل تا نزدیک به سه سال دیگر خبری از انتخابات نیست. اما این روزها با بروز مشکلات و چالش‌های پیش‌روی دولت چهاردهم، فرصت را برای طرح انتقادات دوباره مهیا دیده است؛ شاید که ضعف و خلل رقیب، مایه فخر و اعتبار او شود. البته، شخص جلیلی و طیف حامی و همراه او توجه ندارند که همین سیاست در دولت روحانی نیز بی‌کی کم‌وکاست به‌بوته اجرا گذاشته‌شد و لحظه‌ای نیز رها نشده؛ اما دیدیم و دیدند که کارگر نیتفاد و حتی دوری از روحانی و اصلاح‌طلبان، موجب رجوع و همنوایی با جریان خالص ساز نشد. باین حال، این جریان‌ات از آن حیث که در وجه ایجابی کارنامه و برنامه و هدفمندی ندارند، حیات و ممت سیاسی خود را در همین رویکردهای سلبی و واکنش‌های عصبی و هیجانی و شعاری می‌بینند. هر ناظر بی‌طرف و مخاطب عامی با اندک نگاه موجز و مختصر به این دست گفتارها و انتقادات و تطبیق آن با شرایط موجود و ایام سپری شده، به‌راحتی توانایی بازشناسی ریشه‌ها و روندها و فرآیندهای منجر به وضعیت کنونی را دارد و این تکرار مکررات در گفتار سعید جلیلی نه‌تنها موجب کسب شُأن و اعتباری برای او در سپهر سیاسی نخواهد شد که بیش از